



عقل و تجربه نشان داده است که رشد و مجد و توفیق یک ملت و حکومت دلسوز آن جز با پی افکندن و به انجام رساندن امور اساسی و حکیمانه و ضرورت‌های زندگی افراد جامعه و نظام حاکم بر آن به جایی نمیرسد و حتی باقی نمیماند، و آرزوی یک ملت برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های خود در راه رشد در همه‌امور، چه اقتصادی و چه علمی، با در پیش گرفتن هوسهای جوانانه و سرگرمیهای روزمره‌کودکانه سرابی بیش نیست و تحقق نخواهد یافت.

سرگرمیها و هوسهای جامعه‌ی زمان غبیدزاکانی که میگفت «رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز تا...»، فقط همان مطربی و مسخرگی بود، اما امروز، پس از چند قرن که باید جامعه ما پیشرفته‌تر شده باشد، نه فقط مطربی و مسخرگی ترویج میشود که حتی ورزش نیز که از ضرورت‌های زندگی امروزی است، بصورت مسخره و بیفایده بلکه مضر و بشکل فوتبال حرفه‌یی درآمد است و میرود که جای دانش و خردمندی و حتی اخلاق را بگیرد. نگاه امروز این قلم به خسارتهایی است که از راه بذل و بخششهای کلان میلیارد تومانی به چند بازیگر فوتبال و خسارتهای معنوی آن که از این رهگذر به روح حکمت و دانش و روحیه دانشمندان و جوانان دانش طلب این مرز و بوم وارد میسازد. امروز جامعه علمی ما

از اینکه میبیند بودجه‌ها و پولهای کلانی از ملت، که باید صرف کمالات معنوی و علمی کشور شود و بر عمق فرهنگ ما بیفزاید و آنرا به دنیا معرفی کند، صرف چند تن بازیکن فوتبال حرفه‌یی یا مربیان یا سفرهای پرهزینه آنها میشود. این رفتار ناساز و باورنکردنی، آنچنان جا افتاده که حتی مسئولان دلسوز فرهنگی هم به آن عادت کرده‌اند و از قبح و شگفتی و زیانهای آینده آن غافلند. برای دلسوزان ملت بسیار دردناک است که در زمانی که مراکز علمی و فرهنگی ما از فقر بودجه مینالند و حتی گاه از ثمردهی افتاده‌اند، بشنوند که بازیکن یا مربی فوتبال باشگاهی، از مبالغی کلان از بودجه و امکانات و تشویقهای عملی برخوردار است و گاه بصورت قهرمانان ملی از او یاد میشود، در حالی که یک استاد حوزه یا دانشگاه با داشتن سابقه چند ده ساله و کار مفید و سازنده‌یی که میکند، برای گذراندن زندگی خود مبلغی ناچیز حقوق میگیرد و گاه توهین میبیند و مشکلات فراوانی از جهت مسکن و نیازهای دیگر خانوادگی دارد.

با دیدن چنین جلوه‌هایی از بیحسابی کار کشور، ممکن است هر جوان به خود حق دهد که به توصیه غبید عمل کند و به کار بیسود و گاه زندگی‌سوز فوتبال حرفه‌یی و امثال آن روی بیاورد و به کارهای مولد و سودمند ولی دشوار علمی و فکری و سازنده پشت کند و آب به آسیاب دشمن بریزد. غوغای مسابقات فوتبال حرفه‌یی یکی از توطئه‌های دشمنان بود، که جوانان را به آنسوی بیحاصلی بسیج کنند و گویی در این هدف موفق شده‌اند.

جا دارد که مسئولین فرهنگی فعال کشور به این ضایعه بیندیشند و بار سنگین غم این تبعیض ناروا را، که قانون اساس جمهوری اساس ایران آنرا منع کرده، از دوش دل اندیشمندان و استادان حکمت و دانش بردارند و بجای تشویق نامعقول افراط‌گرایانه معدودی بازیکن فوتبال، قدری هم به مشکلات مادی و معنوی اصحاب معرفت و دانش پردازند و خرف را بجای لعل بر گردن نیاویزند.

والسلام علی من اتبع الهدی